

جغرافیا و قدرت ملی ایران

حسن کامران: دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
بهادر غلامی: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
اسلام یاری: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
سید حسن حسینی امینی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری
حسین خالدي: کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

چکیده

مجموعه انسان هایی که ملتی را تشکیل داده و شکل یک کشور یا سازمان سیاسی پیدا کرده اند، دارای قدرتی می باشند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها بدست می آید و می توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که دریک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می پردازند. موضوع قدرت ملی از طرف جغرافیدانان، متخصصین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین الملل، استراتژیست ها و سیاستمداران مورد توجه قرار گرفته و هر یک از آنها سعی نموده اند فهرست عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی را ارائه دهند که در بخش عمده ای از آنها اشتراک نظر وجود دارد. جغرافیا یکی از عوامل اصلی قدرت ملی در نظریات متخصصین فوق الذکر بوده است. عوامل جغرافیایی در دو دسته عوامل جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی و به صورت کمی و کیفی در قدرت ملی کشورها تأثیر اصلی دارد. کشور ایران با موقعیت ویژه ای که به لحاظ پتانسیل های جغرافیایی دارد، می تواند قدرت ملی برتر خاورمیانه باشد. در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم که بستر اصلی و مبانی تعیین کننده قدرت ملی کشورها چیست؟ مولفه های جغرافیایی تاثیرگذار در قدرت ملی کدام اند؟ و وضعیت ایران از لحاظ برخورداری از مولفه های قدرت آفرین چگونه است؟

واژگان کلیدی: جغرافیا، قدرت، قدرت ملی ایران، سازمان سیاسی، موقعیت جغرافیایی

مقدمه

قدرت عامل حیات و بقا، و موجود فاقد آن محکوم به فنا است لذا غریزه میل به بقای حیات، انسان را وادار به کسب قدرت می کند. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵) بطور کلی قدرت عبارت است از عواملی که یک بازیگر را قادر می سازد تا رفتار بازیگران دیگر را که در راستای منافع و اولویت های مورد نظرشان قرار دارد تحت نفوذ قرار دهد. بر این اساس بازیگران می توانند حکومت ها، ملت ها، کشورها و سایر گروه ها را در جهت انجام اقدامی مشخص و یا جلوگیری از انجام آن تحت نفوذ قرار دهند. (Glassner&fahter, 2004:261) قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی یک ویژگی و صفت جمعی افراد یک ملت را منعکس می نماید و همزمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود از برآیند توانایی های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پدیدار می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵) برای تشخیص و سنجش قدرت ملی یک کشور نمی توان بر روی یک عنصر به تنهایی تکیه کرد بلکه قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می پردازند. به عبارت دیگر عوامل اصلی شکل دهنده به قدرت ملی کشورها در حوضه های مختلفی قرار دارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۶۸) یکی از حوزه های اصلی تاثیرگذار در قدرت ملی عوامل جغرافیایی است. بطور کلی رابطه جغرافیا با سیاست و قدرت به گذشته بر می گردد. در دوره یونان قدیم ارسطو و استرابو و در دوره قرون وسطی دانشمندانی نظیر بادن و مونتسکیو، در قرن نوزدهم جغرافیدانانی چون کارل ریتز و فردریک راتزل به مباحث مربوط به جغرافیا و سیاست پرداخته اند. (میرحیدر، ۱۳۵۷: ص ۱۵) در دوره اسلامی نیز دانشمندانی نظیر ابن خلدون به مطالعه رابطه بین عوامل جغرافیایی و محیط طبیعی با سیاست پرداخته و نظریه معروف خود را درباره قبیله و شهر یعنی دو واحد قدرتمند سیاسی در آن زمان و نیز چرخه پیدایش و سقوط دولت ها بر پایه آن ارائه نموده است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ص ۵). بر این اساس بخشی از عوامل و سرچشمه های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم تر اینکه خصایص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل گیری سایر عناصر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می کنند. لذا جغرافیا از اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت ملی یک کشور برخوردار است. چارچوب محیطی عرصه های ملی یا جهانی می تواند بر قدرت ملی تاثیرگذار باشد. مزیت نسبی که یک کشور بر دیگری از طریق توزیع متفاوت منابع، توسعه اقتصادی و دیگر اشکال ثروت بدست می آورد، می تواند این تاثیر را کامل کند.

در این مقاله سعی بر آن است که نقش عوامل جغرافیایی (جغرافیای طبیعی) در قدرت ملی کشور ایران بررسی گردد. در این راستا به موقعیت جغرافیایی، وسعت، شکل جغرافیایی، آب و هوا، ناهمواریها، دسترسی به آبهای آزاد، منابع انرژی و منابع کانی و ... به تفصیل پرداخته می شود.

مبانی نظری

- جغرافیا

انسان و محیط دو قطب اصلی مطالعات جغرافیایی را تشکیل می دهند و فعالیتهای انسان بر زیربنایی از ترکیبات فیزیکی و طبیعی استوار است و این دو عنصر با توجه به ویژگیهای خود بر هم تاثیرگذارده و از هم متاثر می شوند. جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از شاخه های مهم جغرافیای انسانی به مطالعه واحدهای متشکل سیاسی و فرایندهای سیاسی می پردازد. جریان فرایند سیاسی در بستر مکان، روابط تشکلی های سیاسی مبتنی بر بنیادهای جغرافیایی حتی اتخاذ سیاستهای مبتنی بر واقعیتهای جغرافیایی که تحت عنوان ژئوپلیتیک در جهان امروز متداول است، در چارچوب مطالعات جغرافیای سیاسی قرار می گیرد. (بدری فر، ۱۳۸۸: صص ۳-۱۰) ژئوپلیتیک به آن بخش از دانش جغرافیا تاکید می کند که با قدرت و سیاست پیوند می خورد. از این رو می توانیم ژئوپلیتیک را به عنوان بخشی از دانش جغرافیا، علمی بدانیم که به مطالعه ابعاد فضایی- جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه های سیاست ملی و بین المللی می پردازد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۲)

- قدرت

در زبان فارسی واژه های مترادف یا دربردارنده مفهوم قدرت زیادند. این واژگان عبارتند از: نفوذ، توانایی، نیرو، فشار و ... که متضمن داشتن نوعی توانایی و برتری کسی بر کسان دیگر است. (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ص ۷۳) قدرت عامل حیات و بقا است، بنابراین محبوب انسان ها، گروه ها و دولت هاست. موجود فاقد قدرت محکوم به فنا است و غریزه میل به بقای حیات، انسان را وادار به کسب قدرت می کند. (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۷۸: ص ۴) میزان دستیابی به اهداف و تمایلات تابعی از درجه قدرت و نفوذ و اقتدار فرد یا گروه انسان ها است که از آن برخوردارند. با عامل قدرت می توان شرایط دستیابی به اهداف را فراهم کرده و نیز می توان عوامل و متغیرهای بازدارنده و مانع را از سر راه برداشت. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۰)

همانطور که پول نیروی محرک و حافظ بقای دنیای اقتصادی است، قدرت نیز ابزاری در اختیار سیاست است. بطور کلی دو رویکرد عمده به مفهوم قدرت وجود دارد. رویکرد نخست، قدرت را هم چون کالایی تعریف می کند که می توان آن را تصاحب کرد و در مالکیت خود در آورد. این رویکرد مبتنی بر سنتی فکری است که ریشه در عقاید توماس هابز و ماکس وبر دارد. رویکرد دوم بر این مبناست که قدرت چیزی نیست که بتوان مالک آن شد. برنو لاتور می گوید: تا زمانی که شما صرفاً بطور بالقوه از قدرت برخوردار باشید، در واقع فاقد توان و قدرت هستید و چیزی رخ نخواهد داد. قدرت صرفاً در صورت به اجرا گذاشته شدن وجود می یابد و مستلزم ادغام و ترکیب منابع و عناصر مختلفی است. (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: صص ۷-۵)

- قدرت ملی

تعاریف زیادی از قدرت ملی ارائه شده است. از نظر حافظ نیا قدرت ملی عبارت است از: "توانایی قابلیت و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی." (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵) افشردی و مدنی معتقدند که قدرت ملی بر اساس مولفه های ساختاری وزن ژئوپلیتیک تولید شده و در نهایت منزلت ژئوپلیتیکی کشور را شکل می دهد. کالینز استراتژیست آمریکایی، قدرت ملی را مجموعه ای از تواناییهای بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می کند که از توانایی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، تکنولوژیک و نظامی آن کشور ناشی می شود. (کالینز، ۱۳۷۰: ص ۲۴)

در قلمرو داخلی از قدرت برای قانونگذاری، ضابطه گذاری، تنظیم امور و روابط اجتماعی، اجرای قانون و عدالت اجتماعی و تامین امنیت عمومی از طریق نهادهای سازمان یافته نظیر نهادهای قانونگذاری، قضایی، امنیتی، انتظامی، تبلیغاتی و ... استفاده می شود. در قلمرو خارجی از قدرت ملی برای حفاظت از منابع ملی، تامین نیازهای ملی از مبادی فرا کشوری، تامین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیژ ملی و ... استفاده می شود. (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ص ۲۴۶) حافظ نیا سطوح قدرت ملی کشورها را از حیث فضایی و قدرت اثرگذاری بر پدیده ها و فرآیندهای برون کشوری به شرح زیر تعیین کرده است: ۱- قدرت ملی فراکروی: قدرتی است که در ماوراء کره زمین و فضای بین کرات آسمانی قدرت مانور و اثرگذاری دارد. ۲- قدرت ملی با برد جهانی: قدرتی است که بر فرایندهای جهانی و کروی اثر می گذارد، اعم از اینکه یک بعدی باشد یا چند بعدی. ۳- قدرت ملی با برد منطقه ای: قدرتی است که نفوذ آن در یک منطقه ژئوپلیتیکی تجلی پیدا می کند. نظیر هند در

جنوب آسیا. ۴- قدرت ملی با برد محلی: قدرتی است که حوزه نفوذ اثرگذاری و نفوذ آنرا همسایگانش تشکیل می دهند. نظیر عربستان سعودی در شبه جزیره عربستان. ۵- قدرت ملی با برد کشوری: قدرتی است که اثرگذاری آن در درون مرزهای آن معنی پیدا می کند مانند نپال. ۶- قدرت ملی ضعیف: قدرتی است که در درون مرزهای خود نیز فاقد اقتدار کامل است، مانند سومالی. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۴۹)

یافته های تحقیق

- مبانی و سرچشمه های قدرت ملی

برای تشخیص قدرت ملی یک کشور نمی توان بر روی یک عنصر به تنهایی تکیه کرد، مثلاً نمی توان وسعت زیاد برزیل، جمعیت زیاد پاکستان، تولید صنعتی بلژیک و ... را مبنا قرار داد. بهترین دلیل این است که هیچکدام از این کشورها قدرت درجه اول نیستند (jablonsky, 1997: 34-54). رشد جمعیت بالا و تعداد جمعیت زیاد برای یک کشور فقیر مشکل آفرین است و می تواند به دلیل کمبود مواد غذایی و فزونی تقاضای خدمات اجتماعی حکومت آن را دچار بی ثباتی بنماید (Eberstadt, 1991: 116) قدرت ملی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی می پردازند. عوامل اصلی تشکیل دهنده به قدرت ملی کشورها در حوزه های مختلف قرار دارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۶۸) قدرت ملی مورد توجه و نظر جغرافیدانان، متخصصین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین الملل، استراتژیست ها و سیاستمداران بوده است و هر یک از آنها سعی نموده اند فهرست عوامل تاثیرگذار بر قدرت ملی را ارائه دهند که در بخش عمده ای از آنها اشتراک نظر وجود دارد. (روشندل، ۱۳۷۴: ص ۷۰ و 33؛ taylor, 1994) در ادامه به نظریات برخی از صاحب نظران حوزه قدرت ملی به اجمال اشاره خواهد شد.

هانس جی مورگنتا عوامل اصلی شالوده قدرت ملی را به هشت جزء تقسیم می کند که عبارتند از: موقعیت جغرافیایی، جمعیت، ظرفیت صنعتی، منابع طبیعی، روحیه ملی، خصوصیت ملی، آمادگی نظامی و کیفیت دیپلماسی. (کاظمی، ۱۳۶۹: ص ۶۷) سیف زاده در کتاب نظریه های مختلف در روابط بین الملل، عوامل قدرت را بدین شرح ذکر می کند: وضع جغرافیایی، منابع ملی، جمعیت، کیفیت حکومت، روحیه ملی، کیفیت رهبری. (سیف زاده، ۱۳۶۸: صص ۱۴۰-۱۵۶)

گلداستین عوامل و عناصر قدرت را وسیله ای می داند که یک بازیگر می تواند از طریق آن در بلند مدت، ظرفیت ها، برنامه ها و اقدامات خود را گسترش دهد. او تولید ناخالص داخلی را عامل مهمی در اندازه گیری قدرت و بهترین شاخص تک متغیره قدرت ملی می داند که در شکل گیری آن جمعیت، سرزمین، جغرافیا و منابع طبیعی را مهم می داند. او در بین سرچشمه ها و منابع قدرت بر جغرافیا و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور فوق العاده تاکید می کند و می گوید مهمترین ملاحظات سه گانه منزلت واقعی یک دولت عبارتست از: موقعیت، موقعیت و موقعیت. (Goldstein, 1999:59)

سید عباس نبوی در کتاب فلسفه قدرت چنین نوشته: "در یک بررسی کلی می توان منابع قدرت را در سه نوع اصلی شناسایی کرد: نخست، منابع طبیعی و آنچه طبیعت برای تولید قدرت در اختیار انسان ها قرار می دهد؛ دوم، منابع انسانی و آنچه جسم و درون انسانها و جامعه انسانی در تولید قدرت بکار می آید؛ سوم، منابع ماورای طبیعی و آنچه بیرون از مدار طبیعت و انسان در تولید قدرت سیاسی- اجتماعی نافذ و موثر است." (نبوی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۶)

- جغرافیا مولفه اصلی قدرت ملی

سرچشمه ها و پایه های قدرت از عوامل مختلفی تشکیل می شود. بخشی از عوامل و سرچشمه های قدرت در جغرافیای هر کشور قرار دارد و از همه مهم تر اینکه خصائص جغرافیایی غالباً نقش بنیادین را در شکل گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می کند. از این رو اهمیت خاصی در بررسی و تحلیل قدرت ملی یک کشور برخوردارند. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۸۴) تمام صاحب نظرانی که به بررسی سرچشمه های قدرت ملی پرداخته اند از جغرافیا به عنوان یکی از بسترهای اصلی قدرت ملی یاد کرده اند. حتی برخی جغرافیا را اصلی ترین عامل قدرت ملی تلقی کرده اند. گلدستین در بین سرچشمه ها و منابع قدرت بر جغرافیا و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور فوق العاده تاکید می کند و می گوید که مهمترین ملاحظات سه گانه منزلت واقعی یک کشور عبارتند از: موقعیت، موقعیت و موقعیت. (Goldstein, 1999:59)

برخی موقعیت جغرافیایی یک کشور را مهمترین رکن قدرت ملی آن کشور به شمار آورده اند. برخی از این هم فراتر رفته و گفته اند که سیاست هر کشور را جغرافیای آن کشور تعیین می کند. (روشندل، ۱۳۷۴: ص ۷۱) کوهن معتقد است که به وسیله جغرافیاست که ما می توانیم واقعیت های سیاسی را به درستی ارزیابی کنیم. این سیمای جغرافیایی است که اساس درک نقشه سیاسی کنونی و پیش بینی تغییرات احتمالی آینده را برای ما فراهم می سازد.

بنابراین نقشه سیاست جغرافیایی بیشتر از نقشه سیاسی با واقعیت هماهنگ است. (والترز، ۱۳۶۳: ص ۷۱) بی شک باثبات ترین عامل قدرت یک ملت جغرافیای آن کشور است. عوامل جغرافیایی چون وسعت، شکل، موقعیت، وضع جغرافیایی، ناهمواریها، منابع آب، پوشش گیاهی، اقلیم و غیره همگی با قدرت ملی رابطه مستقیم دارند. قرآن کریم در آیاتی چند به برخی مختصات جغرافیایی سرزمین ها و اهمیت آن در قدرت انسانی و بهره وری انسان ها اشاره کرده و کوه ها و راه ها و دریاها را به عنوان نعمتی الهی در این جهت معرفی کرده است (قرآن کریم، نحل ۸۱، طه ۵۳، زخرف ۱۰). (اعظمی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۹)

بطور کلی قدرت از عوامل سیاست جغرافیایی سرچشمه می گیرد. این موضوع در زمینه استراتژی کاملاً آشکار است و در مورد اقتصاد و سیاست بین الملل نیز تا اندازه ای چنین است. بنابراین برای درک نقش قدرت در جهان ابتدا باید با عوامل سیاست جغرافیایی آشنا شد. (والترز، ۱۳۶۳: ص ۱۹ و حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۸۵) در دنیای امروز از جنبه سیاسی و امنیتی به جغرافیا نگرسته شده و کشورها سعی دارند از مقوله ی جغرافیا در راستای ارتقای امنیت، کسب قدرت و تامین منافع ملی نهایت استفاده را ببرند. (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ص ۶۲)

پتانسیلهای جغرافیایی قدرت ملی ایران

- موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی هر کشور با سیاست خارجی آن پیوند خورده است. ارتباط بین موقعیت جغرافیایی و سیاست خارجی بقدری اهمیت داشته که به صورت یک موضوع مهم در مطالعات ژئوپلیتیکی درآمده است. موقعیت جغرافیایی با آب و هوا نیز پیوند نزدیکی دارد، بطوریکه بر قدرت ملی یک کشور نیز تاثیر می گذارد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۸۹) موقعیت چه از نظر ریاضی که بر اساس طول و عرض جغرافیایی و چه از نظر نسبی که از روی نزدیکی یا دوری از دریا، مجاورت با یک دولت پر قدرت و سایر همسایگان، مجاورت با کانال یا تنگه بین المللی استراتژیک و غیره مشخص می شود، تاثیر بسزایی در قدرت ملی کشورها دارد. کشور ما به علت قرار گرفتن در کنار تنگه ها و آبراهه های مهم بین المللی و در موقعیت دسترسی به منابع خاص و کمیاب (نفت و گاز و....) از اهمیت زیادی برخوردار است. ایران از طرف شمال در دریای خزر و از طرف جنوب در خلیج فارس و دریای عمان دارای سواحل طولانی است. بطور کلی ایران محل تلاقی موقعیت بری و بحری بوده و همواره این کشور در نظریات ژئوپلیتیک و استراتژیهای نظامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. برای مثال

جایگاه ایران در نقشه ژئوپلیتیکی مکیندر در سال ۱۹۰۴ این بود که حاشیه جنوب دریای خزر ناحیه ترکمن صحرا تا بخش شمالی خراسان و در غرب دریای خزر نیز حاشیه کوچکی از استان گیلان، حوالی رشت تا بندر انزلی و آستارا درون هارتلند قرار می گرفت و بقیه کشور در هلال داخلی یا حاشیه ای قرار گرفته بود. در نظریه اسپایکمن هم ایران در سرزمین حاشیه ای نظریه او بود. در دکتترین ترومن ایران به منزله کمربند محاصره نیم دایره کمونیسیم توسط کشورهای غیر کمونیسیم بود. (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ص ۷۱)

- وسعت

بطور کلی وسعت زیاد در قدرت کشورها تاثیر مثبت دارد ولی اگر دچار گستردگی عوارض جغرافیایی بوده یا فضاهای غیر قابل استفاده در آن باشد یا اینکه دچار کمبود جمعیت گردد، بطوریکه امر دفاع را مشکل کند، باعث بروز مشکلات می گردد. همچنین فضای وسیع امکان برخورداری از معادن و منابع اقتصادی را فراهم می کند. به لحاظ نظامی فضای وسیع عمق استراتژیک ایجاد کرده و حاشیه امنیتی برای کشور به وجود می آورد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۹۱) وسعت زیاد یک دولت، با این تصور که از نظر آب و هوا و منابع طبیعی دارای تنوع بیشتری است و از نظر دفاعی و نظامی نسبت به کشور های کم وسعت، برتری دارد به عنوان عامل قدرت مطرح می شود. (میر حیدر، ۱۳۷۵: ص ۱۰۶) ضریب امنیتی کشورها در موارد زیر متأثر از مولفه وسعت است:

- تنوع آب و هوایی ایجاد می کند؛ بنابراین توانایی کشور را در رفع نیازمندیهای اولیه اش افزایش می دهد، به عبارتی ضریب امنیت اقتصادی جامعه افزایش می یابد (مانند آمریکا).
- از نظر نظامی نوعی ایمنی ایجاد می کند؛ زیرا تصرف بر آن را مشکل می کند (مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق).
- وسعت امکان جذب جمعیت بیشتر را فراهم می آورد؛ بنابراین در تقویت نیروی انسانی و امنیت آن تاثیر گذار است (مانند چین).
- وسعت امکان بروز بحران نفوذ را افزایش داده و می تواند تأثیر امنیتی منفی بگذارد (مانند سودان). (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۵۴)

از لحاظ وسعت کشور ایران شانزدهمین کشور جهان است. این وسعت قلمرو در موارد مختلف در سرنوشت سیاسی این کشور تاثیر گذار بوده است. گفته می شود یکی از عواملی که باعث شد تا در دهه ۱۹۷۰ میلادی در سیاست منطقه ای آمریکا، ایران به عنوان یکی از ارکان راهبرد دو ستونی نقش فعالی را در منطقه به عهده بگیرد، وسعت قلمرو آن بوده است. در جنگ

تحمیلی عراق علیه ایران نیز با اینکه بخش هایی از آن در اوایل جنگ به اشغال دشمن در آمد، لیکن گسترش وسیع ارضی و عمق راهبردی، امکان اشغال را به دشمن نداد. (مینایی، ۱۳۸۱: ص ۱۴۳) ایران بعد از عربستان سعودی از نظر وسعت دومین کشور خاورمیانه است. وسعت و موقعیت ایران به گونه ای است که این کشور را برخوردار از تنوع اقلیم و منابع سرشار انرژی و کانی کرده است.

– شکل جغرافیایی

منظور از شکل فاصله قطره‌ای یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. مهمترین تاثیر شکل هندسی، نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است. (عزتی، ۱۳۷۷: ص ۹۰) کشورهای فشرده و جمع و جور از نظر اداره امور و کنترل دولت و یکپارچگی ملی کارکرد مثبت دارند. اشکال طویل نظیر شیلی، دنباله دار (تایلند) و کشورهای پاره پاره (آذربایجان) معمولاً دچار مشکل می باشند و اداره آنها دردسر آفرین است. کشور ایران به لحاظ شکل جغرافیایی، چهار ضلعی نامنظمی است که بزرگترین قطر آن در جهت شمال غربی به جنوب شرقی در حدود ۲۲۵۰ کیلومتر و قطر کوچک آن در جهت شمال شرقی به جنوب غربی در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است. (مینایی، ۱۳۸۱: ص ۱۴۶) اگر مبنای خود را فرمول هاگت و چورلی قرار دهیم، شاخص شکل برای کشور ما رقم ۰/۴۲۸ خواهد بود و با توجه به اینکه بر مبنای این فرمول ارقام به دست آمده از ۱ (برای یک دایره کامل) تا صفر (برای یک خط) متغیر است، شکل کشور ایران درحدمتوسط میان شکل دایره‌ای و شکل طولانی قرار می گیرد. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ص ۲۰۹) بنابراین ایران از لحاظ شکل در موقعیت مناسبی قرار دارد و درحد وسط شکل طویل و دایره ای قرار دارد و این یکی از مزایای جغرافیایی ایران در جهت اداره بهتر کشور می باشد.

– آب و هوا

آب و هوای مطلوب و معتدل بر قدرت یک کشور تأثیر مثبت دارد. زیرا نخست در توسعه مواد غذایی اثر دارد، دوم میزان تخریب و آسیب رسانی ناشی از ناهنجاریهای اقلیمی به حداقل می رسد و منابع ملی تلف نمی شود و سوم بخشی از منابع ملی صرف فراهم سازی شرایط مناسب زیست برای انسان نمی گردد و منابع انرژی تلف نمی شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: صص ۹۳-۹۲) باوجود اینکه بشر به برخی از ناهنجاریهای محیطی فائق آمده است معهذاً هنوز هم در زمان ما شرایط آب و هوایی اثر آن بر تولیدات فرآورده های غذایی، نقش مهمی در قدرت ملی کشورها دارد. بارزترین نمود آن وضع ایالات متحده آمریکا در مقایسه با وضعیت

شوروی سابق است که شرایط نامناسب شوروی در ارتباط با تولید فرآورده های کشاورزی، نقش موثرتری در فروپاشی آن داشته است. (روشندل، ۱۳۷۴: ص ۷۳) موقعیت جغرافیایی ایران در نیمکره شمالی و واقع شدن آن در منطقه معتدله و کمربند صحرایی زمین، زیر ساختی چهار فصل و نیز صحرایی به آن بخشیده و تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی ساختار اقلیمی خاصی را به وجود آورده است. در اثر ترکیب عوامل عرض جغرافیایی، موقعیت جغرافیایی، توده های هوا با منشاء بیرونی و ارتفاعات؛ الگوهای اقلیمی متنوعی در ایران پدید آمده است که هر یک بخشی از فضای جغرافیایی ایران را پوشش می دهد. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۸۰) تنوع ناهمواریها در کشور باعث تنوع آب وهوایی آن شده است؛ بنابراین انواع آب و هوای خشک، کوهستانی و معتدله را داراست. این شرایط امکان برداشت محصولات کشاورزی در فصلهای مختلف سال را فراهم آورده است (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۱۳). طبیعت و اقلیم متنوع ایران در خود گیاهان و جانوران فراوانی را جای داده است که هم از نظر تعداد و هم از نظر تنوع در مقایسه با سایر نقاط جهان شگفت انگیز است. به عنوان مثال تعداد گونه های پستانداران وحشی ایران با ۱۶۸ گونه تقریباً با تعداد کل گونه های پستاندار در قاره اروپا برابر است. همچنین در ایران ۸۰۰۰ گونه گیاهی، ۱۷۴ گونه ماهی، ۲۰ گونه دوزیست، خزنده و ۵۱۴ گونه پرنده زیست می کنند.

- ناهمواری ها

ناهمواریها از دیگر عوامل جغرافیایی اند که در قدرت ملی کشورها تاثیر گذارند، بطوری که اگر ارتفاعات با مرزهای سیاسی یک کشور منطبق شوند، شرایط مناسب دفاعی برای آن فراهم می آورند. همچنین ارتفاعات می توانند با در اختیار قرار دادن منابع آب جاری حاصل از ذوب برف ها ضمن رونق بخشیدن به اقتصاد داخلی، در روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره با همسایگان از موقعیت برتری برخوردار باشند. (اعظمی، ۱۳۸۵: صص ۱۳۱-۱۳۰) چنانچه مرزهای یک کشور با ارتفاعات، به عنوان یک مانع طبیعی هماهنگ باشند شرایط دفاعی مطلوبی را برای کشور فراهم می کنند. (قوام، ۱۳۷۰: ص ۸۱) به عبارت دیگر وجود موانع طبیعی در مرزهای یک کشور موقعیت امنیتی آن کشور را بهبود می بخشد و نبودن منابع طبیعی کار توسعه طلبان را آسان می کند. (روشندل، ۱۳۷۴: ص ۷۴) خطوط مرزی مبتنی بر ارتفاعات، اگر از پیوستگی برخوردار باشد، موجب ثبات و امنیت نسبی کشورهای دارنده آن خواهد بود. در مناطق کوهستانی حرکت واحدهای تهاجمی به کندی صورت می گیرد و مرزهای کوهستانی همیشه در تاریخ نقش مهمی داشته است؛ هم چنانچه داخل فلات ایران تا

امروز به برکت دو رشته ارتفاع ممتد و منظم وحدت خود را حفظ نموده و ایدئولوژی متفاوت با دیگر مناطق مجاور خود را پایداری ساخته است. (عزتی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۲) از نظر جغرافیایی، موقعیت ناهمواریهای ایران در نقشه جهان به صورت مثلث بزرگی است که قبل از عصر هواپیما رخنه به درون مثلث مزبور بسیار دشوار بود. رأس شمال غربی این مثلث، محل برخورد دو رشته کوه طولانی و بلند است. رشته کوه زاگرس قاعده جنوب غربی و رشته کوه البرز قاعده شمالی آن را تشکیل می دهد. قاعده سوم مثلث قاعده شرقی است که از دو قاعده دیگر حساس تر است. دشت کویر و دشت لوت، دو صحرای بزرگ ایران ضلع سوم مثلث را می سازند که آسیب پذیرترین نقطه مثلث محل برخورد صحراها با رشته کوههای البرز است. (کامران و دیگران، ۱۳۸۴: ص ۴) هر چند در مواردی امکان جلوگیری از هجوم امواج انسانی به فلات ایران وجود نداشت، اما وضعیت اقلیمی و ژئومورفولوژیکی آن پیوسته از عوامل موثر دفاعی به شمار رفته و در این زمینه تنها تهاجم های بزرگ و پر دامنه موفق بوده اند، اگر فلات ایران از چنان وضعیت جغرافیایی برخوردار نبود، شمار تهاجمات موفقیت آمیز می توانست خیلی بیش از اینها باشد و در نتیجه فرهنگ و تداوم تاریخی این سرزمین از بین می رفت. (کاتم، ۱۳۷۸: صص ۱۸-۱۷)

- جنگل و پوشش گیاهی

جنگل ها حدود ۱۱ درصد مساحت ایران را تشکیل می دهند که ۵۵/۵ درصد آن مربوط به جنگل های بلوط غرب، ۲۵/۵ درصد مربوط به جنگل های شمال، ۱۳/۳ درصد مربوط به جنگل های پسته جنوب و شرق کشور و ۵/۶ درصد مربوط به جنگل های گرمسیری و کویری است. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ص ۲۱۲) مطابق برآورد های انجام شده حدود ۱۶۰ میلیون هکتار از مجموع فضای ایران برای رویش گیاه جنگلی و مرتعی مناسب است. مجموع فضای جنگلی ایران ۱۲/۴ میلیون هکتار بوده است که حدود ۷/۷ درصد از زمینهای قابل رویش را در کشور تشکیل می دهد. مراتع ایران با وسعتی حدود ۹۰ میلیون هکتار معادل ۵۶ درصد کل فضای ایران را پوشش می دهند. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: صص ۸۸-۸۷)

- دسترسی به دریا

ایران در دریای مازندران حدود ۶۵۷ کیلومتر، در دریای عمان حدود ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس حدود ۱۲۵۹ کیلومتر مرز دریایی دارد. بنابراین از مزایای اقتصادی و دفاعی آن بهره مند است. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ص ۲۰۷) دسترسی ایران به دو عرصه آبی مهم در شمال و جنوب کشور، هم به لحاظ حمل و نقل دریایی و هم به لحاظ شیلات و وجود ذخایر عظیم

انرژی نفت و گاز به عنوان مبنای عمده قدرت ملی کشور شناخته می شوند (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ص ۹۲).

- موقعیت مرکزی (ژئوپلیتیک دسترسی)

موقعیت مرکزی موقعیتی است که محل رفت و آمد های زیاد بین المللی به دلیل سیاسی، مذهبی، اقتصادی و غیره یا مرکز مهم عبور راه های ارتباطی بین المللی باشد. ایران همانگونه که از نظر تاریخی در مسیر عبور راه ابریشم قرار داشت به دلیل قرار گرفتن بین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و خلیج فارس از یک سو و همچنین قرار داشتن بین آسیا و اروپا از سوی دیگر، کوتاه ترین مسیر برای عبور راه های شوسه و آهن از شمال به جنوب و عبور لوله های نفت و گاز آسیای مرکزی به اروپاست. ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ویژه ای که برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. با وجود تلاش دولت آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن ترین، اقتصادی ترین و کوتاه ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آب های آزاد مطرح است. (مختاری و نصرتی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۵) به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیای ایران در محور شمال و جنوب دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره های اروپا و آسیا و اقیانوسیه، بویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد.

- دارا بودن سواحل طولانی و عمیق در خلیج فارس

بخش شمال و شمال شرقی خلیج فارس را تماماً سواحل ایران پوشانده است. طول مرزهای ایران در خلیج فارس از دهانه اروندرود تا بندر عباس ۱۲۵۹ کیلومتر است. (الهی، ۱۳۸۴: ص ۱۲) وجود این سواحل طولانی باعث شده تا ایران صاحب ذخایر عظیم نفت و گاز و همچنین منابع آبی در خلیج فارس باشد و این خود زمینه توسعه و افزایش قدرت ایران را مهیا کرده است. محور خلیج فارس که عمیق ترین کانال قابل کشتیرانی را تشکیل می دهد و طبعاً مسیر خطوط اصلی کشتیرانی از شرق به غرب را در بر دارد، نزدیک به سواحل ایران است. گذشته از آن خلیج فارس آبراهی است که صرف نظر از عمیق ترین نقطه (۹۱ متر) عمق عمومی منطقه محور بین ۴۰ تا ۷۳ متر است، در حالی که در منطقه ساحل جنوب شرقی، جنوب و رأس خلیج فارس، اعماق بین ۵ تا ۱۰ متر عادی است. این عمق کم و توزیع نامتعادل آن از نظر کشتیرانی مشکلات بسیاری به بار می آورد و اکثراً مسئول ایجاد گلوگاه های تردد

است. ایجاد آبراه های دریایی در آبهای سرزمینی برای کشورهای ساحلی حق نظارت رفت و آمد شناورهای بین المللی را ایجاد می کند. در مورد طرح به اجرا در آمده در دو طرف جزایر تنب بزرگ و کوچک و فارور چون مسیر شمالی این طرح در آبهای سرزمینی ایران قرار دارد، طبق اصل اول مقررات مربوط به کشتیرانی بین المللی، نظارت بر عبور و مرور کشتیها بر عهده دولت ایران است و طبق اصل دوم همان مقررات دولت ایران حق دارد هزینه ارائه خدمات مخابراتی و نصب علائم کمک ناوبری را دریافت کند. گذشته از آن، وجود این طرح بر اهمیت استراتژیک جزایر مذکور افزوده است. از طرف دیگر قرار گرفتن جزایر ابوموسی و سیری و خارک در مسیر خطوط اصلی کشتیرانی که به طرف جنوب و غرب خلیج فارس کشیده شده اند، سبب اهمیت استراتژیک این جزایر شده است. (میرحیدر، ۱۳۶۷: صص ۵۸۲-۵۷۸)

- جزایر

ایران حدود ۳۱ جزیره در خلیج فارس دارد که ۱۲ عدد آن مسکونی است. این جزایر مانند خارک که در یکی از عمیق ترین قسمت های خلیج فارس واقع و به دلیل داشتن سواحل عمیق برای لنگر انداختن کشتی های بزرگ مناسب و بزرگترین اسکله نفتی جهان را داراست، می توانند مانند ناوگان های ثابتی در خدمت دفاع از مرز های جنوبی و دریایی کشور باشند. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: صص ۲۱۳-۲۱۱) از دیدگاه استراتژیک آنچه وضع و موقعیت ایران را ممتاز می سازد، نه تنها برتری نظامی و جمعیتی این کشور در منطقه است، بلکه در نظر گرفتن این حقیقت است که حساس ترین جزایر استراتژیک در تنگه هرمز و بر سر راه های ورودی و خروجی آن، در حاکمیت ایران است. امنیت در تنگه هرمز با استفاده از موقعیت استراتژیک این جزایر بهتر و موثرتر قابل تأمین و حفظ است. ایران بر تعدادی از جزایر برخوردار از موقعیت ممتاز و استراتژیک در تنگه هرمز و خلیج فارس حاکمیت دارد که از آن میان شش جزیره که زنجیره قوسی دفاعی ایران را تشکیل می دهد، اهمیت بیشتری دارند. این جزایر عبارتند از: هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی که در فاصله نسبتاً کوتاهی از یکدیگر قرار دارند. (مجتهد زاده، ۱۳۸۵: صص ۸۷-۸۵)

- تنگه هرمز

تنگه هرمز آبراهی باریک و خمیده شکل است که دریای نیمه بسته خلیج فارس را از راه دریای عمان به اقیانوس هند و خطوط کشتیرانی بین المللی دریای آزاد پیوند می دهد. به علاوه این آبراه به علت جایگاه ویژه ی استراتژیک خود، شاهرگ حیات اقتصادی غرب و ژاپن و شرق دور به حساب می آید. در گذشته هر یک از کشورهایی که خواسته اند به خلیج فارس

دست یابند، یا تکیه گاه طبیعی نیرومندی برای دفاع از منطقه، یا نقطه ای تهاجمی برای استیلا بر اقیانوس هند داشته باشند، تسلط بر تنگه هرمز را شرط لازم برای رسیدن به این هدف شمرده و سعی کرده اند قبل از هر اقدامی تنگه هرمز را در اختیار بگیرند. (افشار سیستانی، ۱۳۸۶: صص ۲۷-۲۸) تسلط ایران به سواحل شمالی تنگه استراتژیک هرمز که رگ حیات اقتصاد جهان است، یکی از ارکان اصلی جغرافیایی قدرت ملی ایران بویژه در سطح جهانی است.

- تعدد همسایگان

بطور کلی کشور ایران با داشتن ۱۵ همسایه از طریق خشکی و دریا پس از روسیه دومین کشور جهان از نظر تعداد همسایگان است. (عباس شوازی، ۱۳۸۷: ص ۷۳) این کشور از جنوب با دولت- ملت های مستقل کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان، از شرق با پاکستان و افغانستان، از شمال با ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ارمنستان و از غرب با ترکیه و عراق همجوار است. اما ایران همچنین در شمال با جمهوریهای خود مختار داغستان، نخجوان و کالمیک، در شمال غربی و غرب با حکومت منطقه ای کردستان عراق و در جنوب با شش امیرنشین از هفت امیر نشین تشکیل دهنده امارات متحده عربی؛ یعنی ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام القوین و رأس الخیمه همسایه است. استفاده از استعداد بسیار بزرگ و در واقع بی نظیر ایران در گسترش روابط فضایی بین ناحیه ای با وجود حجم متوسط و تعداد همسایگان زیاد، در کانون توجه دولت ها قرار نداشته است. چنین موقعیتی، فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولت هایی قرار داده که بطور ماهوی نیازمند تعامل فضایی همه جانبه هستند. در واقع ایران با استفاده از موقعیت مرکزی و کانونی خود می توانسته کانون صلح و همبستگی بین منطقه ای باشد. (کریمی پور، ۱۳۷۹: صص ۲۲-۲۴) گرچه بعضی از کارشناسان بر این باورند که تعداد زیاد همسایگان منبع مشاجره و تضاد برای ایران می تواند باشد، اما با نگاهی به وضعیت کشورهای همسایه روشن می شود که این امر می تواند به عنوان یک فرصت برای ایران قلمداد شود. چرا که بعضی از این کشورها در اثر منابع انرژی کم نیازمند به ایران می باشند، که از جمله آنها می توان به پاکستان و ترکیه اشاره کرد. همچنین همسایگان شمالی ایران اکثراً محصور در خشکی هستند و ایران می تواند از موقعیت جغرافیایی خود برای اتصال آنها به دریاهای آزاد استفاده کند.

- منابع کانی

ایران از نظر فلزات معدنی بسیار غنی است. ذخایر آهن کشف شده در کانسارهای کرمان، یزد و شرق خراسان حاوی صدها میلیون تن آهن با عیار بالا (۶۰-۶۵ درصد) است. ذخایر مس ایران در سراسر فلات ایران یافت می شود و برجسته ترین آنها معادن مس سرچشمه و چهار گنبد و قلعه زری بیرجند است. معادن سرب و روی در اطراف فلات مرکزی دیده می شود. همچنین بخش مرکزی ایران حاوی فلزات معدنی دیگر نظیر طلا، منگنز، نیکل و ... است. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ص ۹۳) ذخایر شناخته شده کانی ایران عبارتند از: ۸۰۰ میلیون تن مس ۱/۱۲ درصد و بیش از ۵۰۰ میلیون تن مس با درجه پایین تر، ۷ میلیون تن سنگ معدن کرومیت ۳۵ درصد تا ۵۰ درصد (بزرگترین ذخایر کرومیت دنیا)، بیش از ۱/۲ میلیارد تن سنگ آهن و ۱/۶ میلیارد تن ذخایر زغال سنگ و ۵۰۰ میلیون تن فلز آلومینیوم فقط در ناحیه تاکستان قزوین است. همچنین معادن سرب، روی، نمک، سولفور، منگنز، نیکل، طلا، اورانیوم، منیزیوم، باریوم، قلع، سنگ آهک، کبالت، فلوریت، بوکسیت و غیره نیز دارد. (مظفری و رئیس السادات، ۱۳۸۸: ص ۱۸۱) کشور ایران پتانسیل خوبی نیز از نظر ذخایر طلا دارد. از مهمترین منابع امید بخش طلا در ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد: منطقه متالوژنی آذربایجان، منطقه متالوژنی همدان - اراک، منطقه متالوژنی اصفهان، یزد و کرمان، منطقه متالوژنی سمنان - تهران، منطقه متالوژنی خراسان - سیستان و بلوچستان. میزان ذخایر ایران در سال ۱۳۸۰، ۸۸۱۳/۳۹۸ هزار تن سنگ طلا برآورده شده است. موقعیت تکتونو ماگمایی ایران آن را در قلمرو مناطق پتانسیل دار برای کانی سازی طلای هیدروترمال قرار می دهد. فعالیت های ماگمایی قوسی و پشت قوسی که در اغلب نقاط دنیا به عنوان پتانسیل های مهم طلا معرفی شده اند، در ایران نیز گسترش زیادی داشته اند. (<http://www.ngdir.com>)

- انرژی

کشور ایران از لحاظ منابع مختلف انرژی یکی از غنی ترین کشورهای جهان محسوب می گردد، چرا که از یک سو دارای منابع گسترده سوخت های فسیلی و تجدید ناپذیر نظیر نفت و گاز است و از سوی دیگر دارای پتانسیل های فراوان انرژی های تجدید پذیر هم چون باد و خورشید می باشد.

انرژی یکی از حلقه های پیوند ایران با جهان خارج است و از این حیث دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور بصورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوند عمیق دارند، چرا که انرژی و تمام ابعاد و جنبه های آن، ملتقای سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست می باشد.

(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۰۳) جفری کمپ متاثر از نظریه هارتلند مکیندر از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند انرژی بحث می کند. ایران در مرکز بیضی استراتژیک انرژی (هم نفت و هم گاز) قرار دارد. (مختاری و نصرتی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۲) در این قسمت منابع انرژی ایران را در دو بخش منابع انرژی تجدید پذیر و منابع انرژی تجدید ناپذیر مورد بررسی قرار می دهیم:

– منابع انرژی تجدید پذیر

به انرژی های ناشی از فرایندهای طبیعی که مکرراً تجدید می شوند، انرژی تجدید پذیر می گویند. اشکال مختلف این انرژی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از خورشید و یا از حرارت ایجاد شده در اعماق زمین نشأت می گیرد. به عبارت دیگر انرژی حاصل از خورشید، باد، زیست توده، زمین گرمایی، انرژی آبی، امواج و جزر و مد، زیست توده جامد، بیوگاز و سوخت های زیستی مایع از جمله انرژیهای تجدید پذیر می باشند. (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۸) کل تولید انرژیهای تجدید پذیر در سال ۱۳۸۷ معادل ۲۴۲۸/۴ میلیون بشکه نفت خام بوده است. (همان: ص ۲۰۱) مهمترین انرژی های تجدید پذیر عبارتند از:

– برق آبی

در ایران با توجه به وجود رودخانه ها با دبی آب مختلف، امکان نصب نیروگاه های برق آبی زیاد است. عمر طولانی، راندمان بالا، عدم مصرف سوخت، عدم آلایندهی محیط زیست، پایین بودن هزینه تعمیر و نگهداری، توان پاسخگویی به نوسان های شبکه برق در کوتاه ترین زمان ممکن و بهره برداری و کنترل سیلاب های مخرب از مزیت های احداث نیروگاه های برق آبی می باشد. ایران از جمله کشور های مطرح در زمینه ساخت سد و کنترل آب می باشد. به طوری که در پایان سال ۱۳۸۷، ظرفیت نیروگاه های آبی بزرگ، متوسط، کوچک، مینی و میکروی در حال بهره برداری کشور به حدود ۷۶۷۲/۵ مگاوات رسیده است. استفاده از ظرفیت های برق آبی به عنوان یک اولویت مدنظر قرار گرفته و در این راستا ۶۶۵۰/۱ مگاوات طرح برق آبی نیز در کشور در دست اجرا، ۹۲۵۹/۵ مگاوات طرح برق آبی در دست مطالعه و آماده اجرا و ۵۵۰۵/۱ مگاوات طرح برق آبی در مرحله شناخت می باشند. (همان: ۲۲۱صص-۲۲۲)

– انرژی بادی

در ایران با توجه به وجود مناطق باد خیز، طراحی و ساخت آسیاب های بادی از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح رایج بوده و هم اکنون نیز بستر مناسبی جهت گسترش بهره برداری از توربین های بادی فراهم می باشد. مولد های برق بادی می توانند جایگزین مناسبی

برای نیروگاه های گازی و بخاری باشند. مطالعات و محاسبات انجام شده در زمینه تخمین پتانسیل انرژی باد در ایران نشان داده اند که تنها در ۲۶ منطقه کشور میزان ظرفیت اسمی سایت ها با در نظر گرفتن یک راندمان کلی ۰/۳۳ در حدود ۶۵۰۰ مگاوات است و این در شرایطی است که ظرفیت اسمی کل نیروگاه های تولید برق کشور در حال حاضر ۳۴۰۰۰ مگاوات است. بهره برداری از انرژی بادی در ایران از سال ۱۳۷۳ در مناطق منجیل و رودبار عملاً آغاز شده است و تا کنون انرژی باد در این منطقه به حدود ۳۴ مگاوات رسیده است. (نشریه سازمان انرژیهای نو ایران، ۱۳۸۶: صص ۷-۵) در سال ۱۳۸۷، نیروگاه های برق بادی مناطق گیلان، خراسان و تبریز در مجموع با ۱۵۷ واحد توربین و با ظرفیت اسمی ۸۹۸۳۰ کیلو وات، ۱۹۶/۳ گیگاوات ساعت تولید ناویژه برق داشته اند. (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۹: ص ۲۳۵)

– انرژی خورشیدی

انرژی خورشیدی نخستین انرژی بکار رفته توسط بشر بوده و در طول تاریخ بسیار مورد استفاده قرار گرفته و امروز نیز جایگاه خود را از دست نداده و از آن استفاده های متنوعی می شود. محدودیت منابع فسیلی و نتایج حاصل از تغییرات زیست محیطی و آب و هوای جهانی شرایطی را جهت رقابت انرژی خورشیدی با انرژی های فسیلی به خصوص در برخی از کشور های که دارای پتانسیل بالای تابش می باشند، ایجاد نموده است. از سیستم های انرژی خورشیدی به عنوان فن آوری های جدید در تامین گرما، آب گرم، الکتریسیته و حتی سرمایش منازل مسکونی، مراکز تجاری و صنعتی استفاده می کنند.

در ایران نیز فعالیت های گسترده ای در زمینه ساخت آب گرمکن ها و حمام های خورشیدی، تیوب های حرارتی، آب شیرین کن های خورشیدی و متمرکز کننده های خورشیدی و ... انجام می شود. همچنین با توجه به کویری بودن برخی مناطق و کمبود امکانات در برخی روستاهای دور افتاده کشور، انرژی خورشیدی بهترین گزینه برای تامین برق این مناطق است. (نشریه سازمان انرژی های نو ایران، ۱۳۸۷: ص ۳) ظرفیت پروژه های در حال بهره برداری و در حال اجرای مربوط به انرژی خورشیدی در مجموع ۵۱۷۳/۴ کیلو وات می باشد. در سال ۱۳۸۷ در مجمع ۷۵ هزار کیلو وات ساعت برق خورشیدی توسط پروژه ۳۰ کیلو وات فتوولتائیک، نیروگاه دربید یزد و سرکویر سمنان تولید شده است (ترازنامه انرژی، ۱۳۸۹: صص ۲۳۹-۲۴۰).

- نفت

ایران با دارا بودن ۱۳۷/۶ میلیون بشکه نفت، دومین دارنده بزرگ نفت در جهان به شمار می رود و ۱۰/۳ درصد از کل ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است. میزان ذخایر نفت ایران از ۹۲/۹ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۹ به ۱۳۷/۶ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۹ رسیده است. میزان ذخایر نفت ایران نزدیک دو برابر آمریکای شمالی (۷۳/۳ میلیون بشکه)، نزدیک ۵ برابر کشور آمریکا (۲۸/۴ میلیون بشکه)، بیش از یک برابر ذخایر نفت اروپا و اوراسیا (۱۳۶/۹ میلیون بشکه)، بیش از یک برابر ذخایر نفت کل قاره آفریقا (۱۲۷/۷ میلیون بشکه) و نزدیک ۴ برابر ذخایر آسیا پاسیفیک (۴۲/۲ میلیون بشکه) می باشد. ایران همچنین با تولید ۲۰۲/۴ میلیون تن (۵/۳ درصد کل تولید نفت جهان) بعد از عربستان، روسیه و آمریکا چهارمین تولید کننده بزرگ نفت جهان به حساب می آید. (BP Statistical Review of world, 2010: 6-9).

- گاز طبیعی

گاز طبیعی تمیزترین سوخت فسیلی است، زیرا نه تنها با سوختن آن گاز سمی و خطرناک منو اکسید کربن تولید نمی شود، بلکه ماحصل سوخت آن غالباً آب و مقدار ناچیزی دی اکسید کربن است. لذا می توان از آن به سوخت برتر، ایمن و سالم در محیط های خانگی، تجاری، صنعتی و اداری دارای فضاهای بسته و محدود استفاده کرد. (قذیانی و کرباسی، ۱۳۸۸: ص ۳). ایران از نظر ذخایر گاز بسیار غنی است و با دارا بودن ۲۹/۶۱ تریلیون متر مکعب ذخایر قابل استحصال گاز که معادل ۱۵/۸ درصد کل ذخایر اثبات شده گاز جهان می باشد، دومین دارنده بزرگ گاز جهان بعد از روسیه به شمار می رود. حجم ذخایر گاز ایران از ۱۴/۱ تریلیون متر مکعب در سال ۱۹۸۰ به ۲۹/۶۱ تریلیون متر مکعب در سال ۲۰۰۹ رسیده است، یعنی میزان ذخایر گاز ایران طی این مدت بیش از دو برابر رشد داشته است. ایران بیش از دو برابر کل ذخایر گاز آفریقا (۱۴/۷۶ تریلیون متر مکعب)، نزدیک به دو برابر کل ذخایر آسیا پاسیفیک (۱۶/۲۴ تریلیون متر مکعب) و نزدیک به دو برابر کل ذخایر قاره آمریکا (۱۷/۲۲ تریلیون متر مکعب) ذخایر گاز دارد. حدود دو سوم از ذخایر گاز ایران در میادین گازی غیر همراه (مستقل) قرار دارند (7: country analysis briefs of iran, 2010). مهمترین میادین گازی غیر همراه ایران عبارتند از: پارس جنوبی (۸-۱۴/۲ تریلیون متر مکعب)، پارس شمالی (۱/۴ تریلیون متر مکعب)، کنگان (۰/۸۲ تریلیون متر مکعب)، نار (۰/۳۷ تریلیون متر مکعب) و کنگیران با ۰/۳۱ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز. از کل ذخایر گاز ایران ۹/۲۴ تریلیون

متر مکعب ذخایر گاز واقع در خشکی بوده و ۱۸/۹۳ تریلیون متر مکعب نیز مناطق دریایی واقع شده اند (Bahamannia, 2006:12- 13).

– منابع آبی

ایران به دلیل واقع شدن در مجاورت دریاهای خزر، عمان و خلیج فارس از امکانات بالقوه ای برای صید گونه های مختلف آبزیان برخوردار است. علاوه براین رودخانه ها و دریاچه های داخلی نیز منابع سرشاری از انواع آبزیان را در اختیار ایران قرار می دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ص ۹۱). کشورهای حاشیه دریای خزر در تجارت خاویار برای درآمد بیشتر نقش دارند. دریای خزر بزرگترین دریاچه دنیا با مساحت ۳۷۴۰۰۰ متر مربع است و ۸۰٪ تا ۹۰٪ تاس ماهیان دنیا در این دریاچه زندگی می کنند (<http://fisheries.ir/portal/Home/ShowPage.aspx>). میزان صید و آبی پروری ایران در سال ۱۳۸۷ برابر با ۵۶۲۵۹۴ تن بوده است که از این مقدار ۳۴۱۹۸ تن در آب های جنوب و ۳۶۹۶۷ تن در آب های شمال صید شده، همچنین از این مقدار ۱۸۳۶۴۷ تن آبی پروری بوده است (سالنامه آماری سازمان شیلات، ۱۳۸۸: ص ۱۴). در سال ۱۳۸۷ مقدار ۲/۳ تن خاویار، ۱۳۴۶/۲ تن میگو و ۲۳۰۲۷/۳ تن سایر آبزیان و انواع ماهی و در مجموع ۲۴۳۷۶/۳ تن منابع آبی صادر گردیده است (همان: ص ۴۹).

نتیجه گیری

قدرت عامل حیات و بقا است. قدرت ملی یک کشور عبارتست از مجموع توانایی های آن کشور در تحمیل اراده خود بر سایر کشورها برای نیل به منافع خود. الگوهای مختلفی از سوی صاحب نظران و دانشمندان مختلف درباره عوامل و متغیرهای تاثیرگذار بر قدرت ملی ارائه شده است. با دقت در مبانی و سرچشمه های قدرت ملی از دیدگاه صاحب نظران، مشاهده می شود که بخش عمده ای از این عوامل در بین مدل ها مشترک بوده و به عوامل جغرافیایی اختصاص دارد. بطور مشخص بر موارد زیر در ارتباط با جغرافیا تاکید شده است: الف) موقعیت جغرافیایی: شامل موقعیت استراتژیک، موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگان، موقعیت ارتباطی، موقعیت اقلیمی و ...

ب) وسعت، شکل کشور، کیفیت فضا، توپوگرافی، عوارض درونی و پیرامونی کشور

ج) بنیادهای زیستی شامل آب، خاک، پوشش گیاهی و سایر منابع زیستی و غذائی

د) منابع زیرزمینی، شامل منابع انرژی، منابع معدنی اعم از استراتژیک و غیر استراتژیک

ت) جمعیت و ملت، وضع کمی و کیفی، پراکندگی نیروی انسانی و ...

لذا بحث درباره نقش عوامل جغرافیایی در سیاست و تولید قدرت چیزی نیست که محل تردید باشد.

کشور ایران به لحاظ برخورداری از مولفه های جغرافیایی قدرت آفرین و موثر در قدرت ملی، جایگاه ویژه ای دارد و بخش عمده ای از قدرت ملی ایران ناشی از جغرافیاست. در تمام عوامل و فاکتورهای جغرافیایی موثر بر قدرت ملی شامل موقعیت جغرافیایی (موقعیت استراتژیکی، موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگان، موقعیت ارتباطی، موقعیت دسترسی، موقعیت اقلیمی و ...)، کیفیت سرزمین (وسعت، شکل کشور، کیفیت فضا، توپوگرافی، عوارض درونی و پیرامونی کشور)، بنیادهای زیستی (شامل آب، خاک، پوشش گیاهی و سایر منابع زیستی و غذائی) و منابع زیر زمینی (شامل منابع انرژی، منابع معدنی اعم از استراتژیک و غیر استراتژیک)، که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، کشور ایران دارای وضعیت بسیار مناسبی است و پتانسیلهای بالائی را در تمام این زمینه ها داراست.

پتانسیل های جغرافیایی قدرت ملی ایران به طور بالقوه شرایط لازم برای قدرت منطقه ای و حتی جهانی شدن ایران فراهم کرده است که با مدیریت مناسب و استفاده از نیروی انسانی با کیفیت میتوان این پتانسیل ها را بالفعل کرد. با توجه به مطالب ذکر شده و پتانسیل های بالقوه جغرافیایی ایران، رسیدن ایران به مقام اول خاورمیانه و جهان اسلام به لحاظ قدرت ملی بلامنازع دور از دسترس نیست، تنها باید باعامل جغرافیایی، جمعیت باکیفیت و مدیریت مناسب، پتانسیل های بالقوه تولیدقدرت، بویژه حوزه جغرافیایی آن را بیش از پیش بالفعل کنیم.

منابع و مآخذ

- ۱- ابوالحمد، عبدالرحمن: ۱۳۷۶: مبانی سیاست، تهران، انتشارات توس، جلد نخست.
- ۲- اعظمی، هادی، ۱۳۸۵: وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان.
- ۳- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۸۶: جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ چهارم.
- ۴- افشردی، محمد حسن، ۱۳۸۱: ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد.

- ۵- بدری فر، منصور، ۱۳۸۸: جغرافیای انسانی ایران، تهران، پیام نور.
- ۶- ----- ۱۳۷۴: جغرافیای انسانی ایران، تهران، پیام نور.
- ۷- تهامی، سید مجتبی، ۱۳۸۲: امنیت ملی، داکترین و سیاستهای دفاعی و امنیتی، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۸- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶: قدرت و منافع ملی، تهران، نشر انتخاب.
- ۹- ----- ۱۳۸۵: اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، پاپلی.
- ۱۰- ----- ۱۳۸۱: جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت.
- ۱۱- ----- ۱۳۷۹: مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی، قم، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- ۱۲- حافظ نیا، محمدرضا و احمدی پور، زهرا و بدیعی، مرجان، ۱۳۷۸: تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران (پروژه تحقیقی)، فصل اول، مبانی نظری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۳- روشندل، جلیل، ۱۳۷۴: امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران، سمت.
- ۱۴- سازمان شیلات ایران، ۱۳۸۸: سالنامه آماری ۱۳۸۷-۱۳۷۹، تهران، دفتر برنامه و بودجه، گروه آمار و مطالعات توسعه شیلات.
- ۱۵- سیف زاده، سید حسین، ۱۳۷۸: اصول روابط بین الملل تهران. نشر: دادگستر، جلد ۱.
- ۱۶- طاهری موسوی، معصومه، ۱۳۸۷: جغرافیا و استراتژی ملی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۷- عباس شوازی، علی، ۱۳۸۷: رابطه جغرافیا و امنیت با تاکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم.
- ۱۸- عزتی، عزت الله، ۱۳۸۳: ژئواستراتژی، تهران. سمت.
- ۱۹- ----- ۱۳۸۰: ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، سمت.
- ۲۰- ----- ۱۳۷۷: ژئوپلیتیک، تهران. انتشارات سمت.
- ۲۱- ----- ۱۳۷۱: ژئوپلیتیک، تهران. سمت.
- ۲۲- قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۳: اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سمت.
- ۲۳- ----- ۱۳۷۰: اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل، تهران، سمت.

- ۲۴- کاتم، ریچارد، ۱۳۷۸: **ناسیونالیسم در ایران**، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات کویر.
- ۲۵- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۶۹: **نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل**، تهران، نشر قومس.
- ۲۶- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۳: **روابط بین الملل در تئوری و عمل**، تهران، نشر قومس.
- ۲۷- کالینز، جی. ام، ۱۳۷۰: **استراتژی بزرگ (اصول و رویه ها)**، ترجمه کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۲۸- کامران، حسن و ذکی، قربانعلی و جعفری، فرهاد، ۱۳۸۴: **اثرات ساختار توپوگرافیک بر جغرافیای سیاسی ایران**، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال سوم، شماره ۶ و ۷ پاییز و زمستان.
- ۲۹- کرباسی، عبدالرضا و قدیانی، نعیمه، ۱۳۸۸: **گاز طبیعی و خودرو**، نشریه صنعت خودرو، شماره ۱۳۵.
- ۳۰- کریمی پور، یدالله، ۱۳۷۹: **مقدمه ای بر ایران و همسایگان** (منابع تنش و تهدید)، کرج، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ۳۱- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۵: **کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس**، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۳۲- مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا، ۱۳۸۹: **امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم.
- ۳۳- مظفری، هانیه و رئیس السادات، سید حمید رضا، ۱۳۸۸: **تأثیر عوامل فیزیکی (باد و دما) بر ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس**، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره سوم.
- ۳۴- ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۳: **مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳.
- ۳۵- مورگنتا، هانس، ۱۳۸۴: **سیاست میان ملتها**، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۳۶- میر حیدر، دره، ۱۳۸۱: **مبانی جغرافیای سیاسی**، تهران، سمت.
- ۳۷- ----- ۱۳۷۵: **مبانی جغرافیای سیاسی**، تهران، سمت.
- ۳۸- ----- ۱۳۵۷: **اصول و مبانی جغرافیای سیاسی**، تهران، امیر کبیر.

- ۳۹- میر حیدر، دره، ۱۳۶۷: *جغرافیای سیاسی طرح های تفکیک تردد در خلیج فارس و تنگه هرمز*، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴
- ۴۰- مینایی، مهدی، ۱۳۸۱: *مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۴۱- نبوی، سید عباس، ۱۳۷۹: *فلسفه قدرت*، تهران، انتشارات سمت.
- ۴۲- نشریه سازمان انرژی های نو ایران (سانا)، ۱۳۸۶، سال اول، شماره ۱، مرداد ۸۶
- ۴۳- نشریه سازمان انرژی های نو ایران (سانا)، ۱۳۸۷، سال دوم، شماره پنجم، تیر ۱۳۸۷
- ۴۴- والترز، رابرت، ۱۳۶۳: *دام سلاح هسته ای*، ترجمه محمد رضا فتاحی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۴۵- ----- *سلاح هسته ای و راهی برای گریز از آن*، ترجمه محمد رضا فتاحی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۴۶- وزارت نیرو، ۱۳۸۹: *ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۷*: معاونت امور برق و انرژی، دفتر برنامه ریزی کلان برق و انرژی.

Banks, Ferdinand, 2007: *a long introduction to economic theory and natural gas*.

Bahamannia, GH, 2006: *Developing Gas Markets in Persian Gulf case study: Iran*. 23 rd Gas conference. Amsterdam.

BP Statistical Review of world Energy, 2010: BP, London

Country Analysis Briefs, IRAN, 2010, www.eia.doe.gov

Chaudnary, shamila N, 2000: *Iran to India natural gas pipeline: implications for conflict resolution & regionalism in India, iran and Pakistan*.2000.

Eberstadt, Nicholas, 1991: *population change and National security*. Foreign Affairs, Vol.70, No.3.

Glassner, Martin Ira, 1993: *Political Geography*. United States of America: New York: Johan wiley& Sons, Inc.

Goldstein, Joshua s, 1999: *International Relations*. New York: Longman.

Taylor, Peter, 1993: *Political Geography*. England: Longman Scientific & Technical.

<http://newsblog.Ir/?=3679>

<http://www.iranecconomist.Ir> 1385/9/18

<http://forun.patoghu.com/thread13894.Html>

<http://www.ngdir.com/minemineral/PMineMineral.as>

<http://fisheries.ir/portal/Home/ShowPage.aspx>

http://iranec.com/files/site1/pages/articles_2/Mabahese_Rahbodi_Energy/4.pdf